

## کلمات ذال

ذرت - لذیذ - ذره بین - پذیرایی - لذت - دلپذیر

اذان - گذشته - ذهن - جذاب

آذر و ابوذر خواهر و برادر هستند.

آن ها در آذربایجان زندگی می کنند.

مهدی آموزگار خود را اذیت نمی کند.

او با ذوق و شوق درس می خواند.

ما بهار گذشته به مسافرت رفتیم.

در راه مقداری ذرت بو داده خریدیم.

پدر برای ما آتش نذری آورد.

من و آذین از مسجد صدای اذان را شنیدیم.

ماهی لذیذ و مقوی است.

سال گذشته معلم سفر دلپذیر را درس داد.

